

نگاه بیرون

مذاکره با دوستان جدید ایرانی



● امروز دقیقا یک ماه است که ایرانی‌ها «روحانی» را به ریاست‌جمهوری انتخاب کرده‌اند. انتخابی که نشان داد تقریبا اکثر کارشناسان و تحلیلگران اشتباه می‌کردند. انتظار خاص و متفاوتی از این انتخابات نمی‌رفت. در این موقعیت فرصت‌هایی برای آمریکا و دولت «اوباما» وجود دارد که اگر ملزم به محترم‌شمردن نظر همه در سیاست خارجی هستیم، نمی‌توانیم از آنها به راحتی بگذریم. در این میان من سه فرصت بزرگ را بررسی می‌کنم: روحانی در جمع‌های عمومی و عمومی نشان داده است که خواهان طرح دوباره مساله روابط تهران-واشنگتن است. او از قطع روابط ایران-آمریکا به‌عنوان «زخمی که التیام نیافته» یاد کرد. چنین توصیفی تغییر قابل‌توجهی است. روحانی به مساله مهمی می‌اندیشد، اگر آمریکا هم همین کار را کند، برد بزرگی خواهد کرد. روحانی پیش از این، مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای بوده است، تا زمانی که احمدی‌نژاد فرد دیگری را به جای او منصوب کرد. رییس‌جمهوری جدید ایران اعلام کرده است او «آن» موضع‌گیری را مجدداً از سر خواهد گرفت. این فرصت تکرارنشده برای پیش‌رفتن به سمت نوعی قرارداد بلندمدت بر سر پرونده هسته‌ای ایران، اهداف ادعاها و محدودیت‌های آن است که در دوره احمدی‌نژادحمیلون‌ها مایل با آن فاصله داشتیم. روحانی خواستار گفت‌وگوهای مستقیم شده‌است. پرونده هسته‌ای هم مطمئناًاهمیت درجه یکی برای او خواهد داشت. مساله سوریه نیز برای دو کشور تبدیل به موضوع مهمی شده است. روحانی می‌تواند از اعضای میز مذاکرات حل بحران سوریه باشد. آمریکا آشکارا در سوریه، برنامه مسلح‌کردن جنگجویان را ادامه داده است؛ شورشهایی که جنگ را به منازعه‌ای فرقه‌ای وایدی کشنده‌اند.هم‌اکنون مناطقی که توسط شورشیان کنترل می‌شود گرفتار هرج‌ومرج مطلق است. این سیاست، محکوم به شکست است. اما برای این بحران حتماً راه‌حل دیگری نیز پیدا خواهد شد. با سر کار آمدن دولت جدید روحانی و تلاش‌های او این مهم ممکن خواهد شد و تلاش‌های بی‌نتیجه «جان کری» برای تشکیل اتحادی از همه طرف‌ها در ژنو، جان دوبارای خواهد گرفت.

دستور کار روحانی

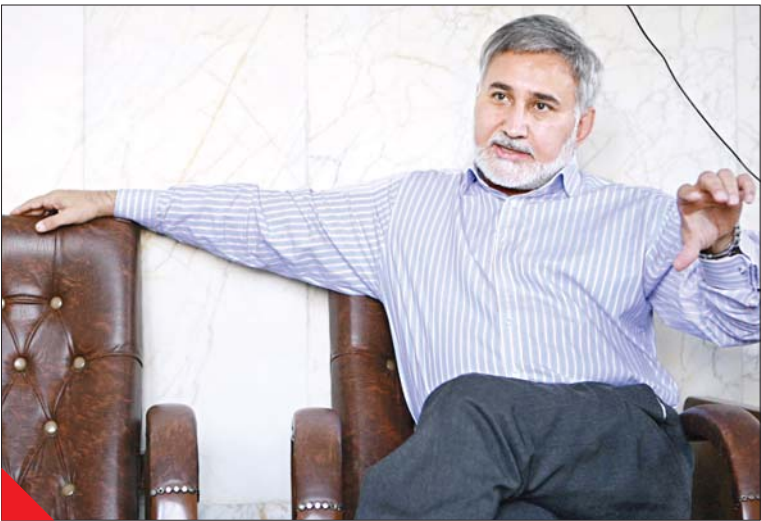
دغدغه‌های روحانی چیست؟ اینکه آمریکا ایرانی‌ها را برای شروع مذاکراتی سازنده درک کند، حیاتی است. بالاترین دغدغه این است که آمریکا نگاه به ایران به‌عنوان «کشوری «استریدجو» را نگذارد، با یک ایرانی هم‌کلام نشود تا بفهمید که ما چیزی بیش از انزوای اقتصادی به ملت ایران تحمیل کردیم.بله چیزی بیش از آن. این آسیب بیشتر فرهنگی و فناوری است و در این راه، جامعه جهانی هم به ما پیوسته است. ایرانی‌ها خود را هم‌ردیف ملت‌هایی که در سطح جهانی دارای درآمدهای متوسط است می‌دانند؛ روسیه، برزیل، هند، چین و آفریقای جنوبی که سبهم قابل‌توجهی از اقتصاد دنیا را در دست دارند، می‌بینند. آنها درک درستی دارند. ایران باید در میان قدرتهای درحال ظهور قرار بگیرد و خودش خوب این را می‌داند که از چه طریق به این جایگاه برسد.

روحانی البته دو دغدغه قابل توجه دیگر هم دارد: اول اینکه، همه مردم ایران خواستار یک برنامه انرژی هسته‌ای هستند بنابراین هیچ دلیلی وجود ندارد که چیزی غیر از آن چیزی که هست را نشان دهیم. دارا و ندار مفهوم قابل طرحی در مذاکرات نیست و به نظر، هیچ وقت هم نبوده است. مساله تنها نوع و اندازه توانمندی این برنامه هسته‌ای است.انگیزه ایران «عمل گراییه» (شاه) هم به‌دنبال برنامه هسته‌ای وسیعی بود، «نمادین» (این برنامه سسملی از برابری ایران با سایر دولت‌هاست) و البته «استراتژیک» است. به‌عنوان نکته آخر اینکه، من با تحلیلگرانی که معتقدند ایران احتمالاًبمب نمی‌خواهد اما به‌دنبال رسیدن به توان بازدارندگی در مقابل اسرائیل است، موافقم. دغدغه دوم بسیار ساده است، تهران به‌دنبال تثبیت جایگاه خود به‌عنوان قدرت منطقه‌ای است. حرف چندان جدیدی در این باب نمی‌شود گفت. این موضوع غیرقابل اجتناب است. برای سایر قدرت‌ها در منطقه روشن است که این موقعیت، بسته به چگونگی اعمال این قدرت در منطقه توسط ایران است. تا پایان هفته، طبق گزارش وال استریتژورنال کاخ سفید تصمیم به جدی گرفتن پیام‌های روحانی گرفته است. پنجشنبه پیش‌رو مقام‌های آمریکایی با گروه ۱+۵ در بروکسل بر سر چگونگی نزدیک‌شدن به تهران به بحث خواهند نشست. چنین تلاشی شایسته تحسین است. روحانی نکته‌های مهمی برای بحث خواهد داشت. او خواستار دوران جدیدی از روابط است. در ایران نیز جناح‌های مختلفی قرار دارند.تندروها در پست‌های مهمی هستند و هنوز مسائل مهمی وجود دارند که باید منتظر پیش‌آمدنش باشیم. اما روحانی برنده اکثریت آرا در دور اول، شخصیتی است که تمهید به ازسرگیری روابط بیش از تقابل است. بزرگ‌ترین نگرانی من، پاسخ به این پرسش مهم است که آیا واشنگتن، ایران را همان طوری که هسته‌ای خواهد پذیرفت یا بر اینکه تنها گزینه «خصومت» است، تاکید خواهد کرد. با توجه به آنچه دوره «خاتمی» در ایران در جریان بود، به نظر می‌رسد روی کار آمدن یک اصلاح‌طلب فرصت انجام آن را به‌دست خواهد داد. ترویج این فرصت‌ها نیازمند متوقف‌کردن هرگونه تهدیدی است که کسی هم البته در واشنگتن به‌دنبال آن نیست. اما نادیده‌گرفتن این خطرات، بسیار هزینه‌زا خواهد بود: آمریکایی‌ها طرف‌های ایرانی را که به دنبال دیپلماسی هستند، بی‌اهمیت می‌انگارند و در عوض به کسانی بها می‌دهند که جو وحشت به وجود می‌آورند.گفت‌وگوهای ۱+۵ این هفته یک شروع باشکوه است. امیدوارم که در این گفت‌ووها به موضوع سوریه هم همپای پرونده هسته‌ای توجه شود.

سیاست

محمدرضا خاتمی در گفت‌وگو با «شرق»:

مطالبه اصلاح‌طلبان از روحانی، اجرای برنامه‌های اوست



عکس: مجید حسینی/شرق

محمد نوروزی

در ایران یکی از اصول سیاست این است یا این شده است که: کسانی هستند که اگر تشخیص دهند لباس سیاست به تن شما گشاد است، از شما می‌خواهند که آن را از تن در آورید یا خودشان این کار را برایتان انجام می‌دهند، تا کی دوباره فرصتی برای به‌تن کردن آن دست دهدا محمدرضا خاتمی، برادر رییس‌جمهور پیشین هم از این دست آدم‌هاست. کسی که زمانی نایب‌رییس مجلس بوده، چند وقتی است لباس رنگارنگ سیاست را کنده و لباس سفید پزشکی را به تن کرده است مثل خیلی از اصلاح‌حاتی‌های دیگری که اگر در وادی سیاست تحمل نشوند، برای ماندن در قدرت اصرار نمی‌کنند و برمی‌گردند سر حرف‌های که پیش از سیاست هم به آن سرگرم بودند، بی‌آنکه با سیاست خداحافظی کنند، برمی‌گردند به جامعه، برین مردم و این سرنوشت یا بهتر، روش خیلی‌ها مثل محمدرضا خاتمی در چند سال اخیر بوده است. او در این چند وقت البته بی‌کار ننشسته بود و تیغ جراحی‌اش را به تن سیاست کشیده و حالا می‌گوید پخته‌تر و کامل‌تر از گذشته شده، هم خودش و هم همفکرهایش.

پکسان باشد، مثلاً عرض می‌کنم، در تحقق مفاهیمی مانند آزادی، دموکراسی و حقوق شهروندی تفاوت عمده‌ای بین اصلاح‌طلبان و اصولگرایان وجود دارد. اما اتفاقی که در طول این چهارسال افتاد این بود که عملکرد بخشی از اصولگرایان منجر به این شد که کشور به معرض آسیب قرار گیرد، اقتصاد دچار شوک، و خیانت در بخش فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه ناهنجاری‌های اجتماعی در برخی حوزه‌ها به آستانه هشدار رسیدیم، در حوزه علمی و دانشگاهی نیز دچار مشکلاتی شدیم و همین‌ها زمینه‌ای ایجاد کرد که برای همه افراد فارغ از اینکه اصلاح‌طلب یا اصولگر باشند، نجات کشور در اولویت قرار گرفت و به همین دلیل مرزهای واقعی که بین اصولگرایان و اصلاح‌طلبان وجود دارد، به‌خاطر این اولویت مشترک در انتخابات اخیر کمرنگ شد، تعامل و ارتباطاتی که اصلاح‌طلبان با بخش معتدل اصولگرایان، در طول یکسال گذشته ایجاد کردند کم نیست و این ارتباطات در این زمینه بود که اولویت نجات کشور است. نمی‌خواهم بگویم اتحاد، ولی اکثریت به یک همدلی رسیدند که نتیجه‌اش را در این انتخابات نشان داد. طبعاً در آینده تفاوت دیدگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی میان اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در جای خوش هست. اما چیزی که باید یاد بگیریم این است که این تفاوت‌ها نباید منجر به دشمنی شود، باید به حقوق همدیگر احترام گذاشت. بر دو طرف دلسوز کشور هستند، اما با راه‌روش‌های مختلف که این را به مردم باید واگذار کرد که کدام روش را برای آینده کشور مناسب‌تر می‌دانند.

● چگونه است کسانی که زمانی قیوب یکدیگر بودند یعنی در همان‌سال ۷۶ آقای ناطق و آقای خاتمی امروز پس از ۱۶سال هردو از آقای روحانی حمایت می‌کنند؟

ببینید من قسمت اول را گفتم، یعنی همان اولویت کشور که گذر از مشکلات بود؛ به هر حال کشور در وضعیتی قرار داشت که هر کس که علاقه‌مند به ایران بود همراهی و همدلی می‌کرد. ما حتی در کلام رهبری می‌بینیم که می‌گویند: «کسانی که به ایران علاقه دارند در انتخابات شرکت کنند»، یعنی حتی مرز بین طرفداران نظام و منتقدان نظام را برمی‌دارند، این دلیل اول بود. اما در مورد کسانی که در درون جبهه انقلاب بودند، حالا هر اسمی که می‌خواهید روی آن بگذارید و مصداقش را جنب ناطق و جنب خاتمی بدانید باید دید که ۱۶سال از حادثه دوم‌خرداد گذشته و در این کشور حوادث بسیار زیادی اتفاق افتاده است، مسایل بسیار زیادی روشن شده است، آیا فکر نمی‌کنید همین کافی است کسانی که عقل و تدبیر دارند، دوراندیشی و دلسوزی دارند، دیدگاه‌هایشان به همدیگر نزدیک شود؟ من فکری می‌کنم این اتفاق افتاده است. ما نمی‌توانیم منکر این شویم که در طول ۱۶سال به‌خصوص در طول این چهارسال یا هشت‌سال اخیر، اتفاقاتی که کشور افتاده که بسیاری از پرده‌ها را کنار زده، بسیاری از افراد را در هر دو جریان اصولگر و اصلاح‌طلب، متحول کرده است. این تحول، سبب شده است نتیجه‌ای را ببینیم که در آن آقای خاتمی، آقای هاشمی، آقای ناطق و بعضی چه‌راهی اصولگر مانند آقای مطهری در کنار گروه‌های اصلاح‌طلب یک جبهه هستند هر چند در این جبهه، ساختارهای اصولگرایی متأسفانه در حمایت از آقای روحانی وارد نشدند و فقط اشخاص اصولگرای معتدل از ایشان حمایت کردند. به نظرم وضعیت طوری شده که تحولات، دیدگاه‌های طیف‌های مختلف را به هم نزدیک کرده است، نمی‌گویم یکی شده‌اند، نه تفاوت و اختلاف وجود دارد ولی به هر حال در جبهه نجات کشور که ایجاد شده است، این گروه‌ها و افراد احساس می‌کنند که می‌توانند با یکدیگر کار کنند.

● می‌توان گفت بخشی از سوءتفاهم‌هایی که وجود

داشت بین طرفین برطرف شده است؟

حتماً چنین است اما این تعامل منحصر به این برهه زمانی نیست. من شخص خودم را می‌گویم یا دوستان خودمان را می‌گویم؛ ما از‌سال ۷۶ با آقای ناطق ارتباط



● از شهرستان «لامرد» تماس می‌گیرم، متأسفانه ایسن منطقه قطعی برق فراوان دارد و در دمای ۵۰درجه مجبور هستیم ساعت‌ها بدون برق سپری کنیم

● ما تحصیلکرده‌های کارشناسی‌ارشد و دکترا در دانشگاه آزاد به‌صورت هیات‌علمی مشمول حضور داریم. دانشگاه در ابتدا از ما تعهد چهارساله حضری دریافت کرد که در این مدت به‌صورت هیات‌علمی تماموقت در دانشگاه حضور پیدا کنیم و طی این مدت کارت پایان‌خدمت ما صادر نشد تا در پایان دوره به ما داده شود حالا که ما به پایان دوره رسیدیم دانشگاه طی یک بخشنامه به واحدها اعلام کرده که دانشگاه هیچ تعهدی نسبت به ما ندارد. بعد از گذشت چهارسال و از دست رفتن بسیاری از فرصت‌های شغلی و افزایش سن آیا امکان دارد ما بتوانیم شغل دیگری بیابیم؟

● در بسیاری از شهرهای گرم‌سیری ایستگاه‌های اتوبوس محظله‌های شیش‌های بسته‌ای است که داخل آن اسپلتهای کوچکی نصب شده است. نمونه آن ایستگاه‌های اتوبوس خیابان دانشگاه در شهر زاهدان است، به نظر می‌رسد شهرداری تهران نیز می‌تواند از این تجربه خوب، دست‌کم در ایستگاه‌های بی‌آبی استفاده کند تا شهروندان از گرمای سوزان تابستان نجات پیدا کنند و برای استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی ترغیب شوند.

● خیابان جمالزاده از انقلاب تا فاطمی، خیابان باریک و پرفروشگاهی است که در ساعات صبح، به دلیل بارگیری مغازه‌ها ترافیک زیادی ایجاد می‌شود. هر دو طرف خیابان کامیون‌های لبنیات و کالاهای دیگر توقف می‌کنند و اساساً به ترافیک خیابان توجه نمی‌کنند. از پلیس راهنمایی و رانندگی تقاضا می‌کنیم به این موضوع رسیدگی کند.

● در پاسخ به پیام «زبان تالشی را نجات دهید» با سلام خدمت دوست عزیزم که در مورد زبان تالشی دغدغه دارند که البته برحق است اما لازم به تذکر است که اولاً شرق و غرب گیلان، گیلک‌زبان هستند اما با گویش متفاوت، ثانیاً غرب گیلان به‌جز دو یا سه شهر، بقیه شهرها تالش‌زبان نیستند.

● ساکن خیابان پیروزی در اطراف متروشیخ‌الرریس هستم. حدود دو سال است که این ایستگاه افتتاح شد ولی به دنبال آن، پلبرقی ورودی مترو راه‌اندازی نشد و چندین‌بار با مسوولان تماس گرفتم. وعده‌هایی دادند ولی هیچ خبری نشد. واقعا پله‌ها زیاد و برای جمعیت زیاد این مسیر، خسته‌کننده و طاقت‌فرساست

MAKE it POSSIBLE

هواوی

Ascend Mate

صفحه‌نمایش ۶/۱ اینچ

پردازنده ۴ هسته‌ای

هواوی

HUAWEI

6.1 inch

Large Screen

1.5 GHz

Quad Core

Magic Touch

4050mAh

Large Battery

Optimized for 1 Hand Usage

DOLBY DIGITAL

5.1